

مقدمه

پروردگار حکیم و مهربان را سپاسگزاریم که ما را توفیق عنایت کرد چهارمین دفتر از «مجموعه آرای تربیتی دانشمندان مسلمان» را تقدیم ارباب معرفت و اصحاب تربیت نماییم. همانطور که در مقدمه دفترهای پیشین یادآور شدیم نویسندگان این مجموعه کوشیدند در این ساحت راهی نارفته را طی کنند و دریچه‌ای بر محققان رشته‌های وابسته به تعلیم و تربیت بگشایند و منبعی نسبتاً جامع، مستند و سلسله‌وار، در این میدان به زبان پارسی بنگارند، و گمان می‌رود به لطف حق توفیقی بهره آنها شده باشد.

در مقدمه‌نگاریهای اجزای پیشین هر بار از منظری این مجموعه را نگریستیم و به تحلیل آن در نگاه کلان نشستیم، و اینک بر آنها نکاتی چند می‌افزاییم:

نخست آنکه تاریخ اندیشه‌های تربیتی دانشمندان مسلمان را می‌توان به دو دوره

اصلی تقسیم کرد:

دوره اول: از آغاز شکل‌گیری اندیشه اسلامی تا قبل از تماس با تحولات علمی و فنی غرب؛ در این دوره مسلمانان با بهره‌گیری از دانشهای یونان و نیز استفاده از کتاب و سنت به پایه‌ریزی تفکرات تربیتی پرداخته، بتدریج آن را به کمال و رشد نسبی رساندند. دوره دوم: پس از تحولات غرب و آشنایی و تماس جهان اسلام با آن؛ در این دوره جهان اسلام شاهد تحولاتی در تفکرات اندیشمندان اسلامی در همه زمینه‌ها از جمله مباحث تربیتی و نیز دگرگونی در برنامه‌ریزی و اقدام‌های آموزشی و تربیتی بود.

این دوره نیز به دو مرحله جزئی‌تر تقسیم می‌شود:

مرحله اول: اولین تماسها با فرهنگ و تمدن غرب است؛ در این مرحله متفکران و مصلحان فکری و اجتماعی در قلمرو موضوعات گوناگون اجتماعی و فکری و از جمله تربیتی به طرح مباحث نوین و ناظر به پرسشها و تحولات جدید دست یازیدند.

مرحله دوم: مرحله آشنایی‌های دقیق‌تر و تخصصی‌تر با دانشهای غربی است؛

ورود به این مرحله در قلمروهای گوناگون متفاوت است در فلسفه و پاره‌ای از مسائل

نظری این مرحله زودتر تحقق یافته است، و چهره‌هایی مانند علامه طباطبائی، شهید صدر، و شهید مطهری از مصادیق بارز متفکرانی هستند که در ساحت فلسفی و کلامی به این مرحله وارد شده، به نقد و نظریه‌پردازی پرداخته‌اند.

اما در حوزه علوم انسانی و اجتماعی ورود اندیشمندان اسلامی به این مرحله پیشرفته و تخصصی دیرتر به وقوع پیوسته است و بویژه در حوزه دانش‌هایی مانند تعلیم و تربیت این تأخر نمایان‌تر است؛ در اقتصاد بدلیل برخورد با مارکسیسم این مرحله زودتر فرا رسید، متفکران و پژوهشگران دینی در ایران عمدتاً پس از انقلاب اسلامی وارد این مرحله شده‌اند.

در حوزه تعلیم و تربیت گرچه در عرصه عمل و فعالیت برنامه‌ریزی آموزشی و تربیتی با شکلی نوین و با استفاده از تجارب جدید به پیشینه بیش از یک قرن باز می‌گردد، اما در قلمرو اندیشه تربیتی و نقد و نظریه‌پردازی جدید با تأخر بیشتری مواجه هستیم، و طلایع حرکت جدید در تقریباً سه دهه اخیر نمایان شده است و امید می‌رود این تحول برکات فراوانی را ببار آورد.

با امعان نظر در آنچه گذشت می‌توان بدین نکته تصریح کرد که مجموعه چهار جلدی آرای تربیتی اندیشمندان مسلمان، مسیر تاریخی اندیشه‌های تربیتی متفکران اسلامی را در دوره اول ترسیم می‌نماید، و پرداختن به دوره دوم با هر دو مرحله آن، به تحقیق و تألیف اجزای بعدی این پژوهش واگذار می‌شود.

دومین نکته آنکه در مقدمه جلد دوم به دسته‌بندی متفکران تربیتی در چهارچوب مکاتب فکری چندگانه اشاره نمودیم، اما بدین نکته باید نیک نگریست که این مکاتب متنوع در برخی از محورها و ارکان احیاناً ناسازگارهایی دارند؛ فی‌المثل تربیت عقلانی در نگرش بوعلی‌سینا و علامه مجلسی تمایز آشکار دارد، و در پاره‌ای از محورها تقابلی میان آنها نیست، بلکه زوایای دید گوناگون است و در آن محورها مکاتب و دیدگاهها می‌توانند مکمل هم باشند. بعنوان نمونه نگرش فقهی در مقایسه با نگرش فلسفی، چنانچه هر یک در قلمرو اعتبار خود به کار بسته شود، الزاماً در تعارض قرار نمی‌گیرد؛ بلکه می‌توانند نقش مکمل نسبت به یکدیگر ایفا نمایند.

سومین نکته آنکه روش تحقیق ما در این مجموعه در پاره‌ای از موارد توصیف آرای متفکران بوده است و در موارد زیادی هم استنباط اندیشه‌های تربیتی از مبانی فکری

آنان شیوه تحقیق بوده است، و در واقع براساس روش تحقیق ترکیبی از توصیف و استنباط و تحلیل، پژوهش را سامان داده، به انجام رساندیم.

در ضمن توجه خوانندگان را بدین امر معطوف می‌داریم که در ساختار و نظام بحث و نیز کاربرد مفاهیم در عمده مباحث به شیوه تطبیقی عمل کرده‌ایم؛ بدین معنا که برای تبیین و ایضاح اندیشه‌های هر متفکر چهارچوب و ساختارهای معاصر و نیز مفاهیم متداول در ساحت تربیت نوین، مبنا قرار گرفته، و آرای متفکر و دلالت‌های تربیتی را آن در ظرف چهارچوب و مفاهیم گزینش شده، بازخوانی و بازسازی نموده‌ایم.

در پایان یادآور می‌شویم که آرای سعدی توسط جناب آقای ابوجعفری تحقیق و نگارش و توسط جناب آقای بهشتی بازسازی و تکمیل شده است، آرای ابن‌خلدون و نراقیها را جناب آقای فقیهی، و آرای علامه مجلسی را جناب آقای بهشتی پژوهش و نگارش کرده‌اند. فرصت را مغتنم شمرده صمیمانه از این بزرگواران و نیز از جناب آقای دکتر احمد احمدی که بعنوان ناظر طرح موشکافیها بعمل آورده و ما را از راهنمایی‌های سودمندشان بهره‌مند ساختند، و از همه مسئولان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه آقایان حجج‌اسلام محمود نوذری و سید جواد حسنی تشکر و سپاسگزاری می‌نماییم.

گروه علوم تربیتی
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه